

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشق‌ری
فرستنده : محمود شاداب
۰۲ سپتمبر ۲۰۱۸

[خانمان برباد رفت]

ای که بودی چند روزی خو برو، مویت چه شد؟
بودی شهر آشوب شهر و دلربائی داشتی
بهرتر از کبک دری رفتار و گفتار تو بود
زشت و زیبای جهان می گفت پیشترام رام
آنکه با تو داشت الفت دور ماند از محفلت
گشت معلوم که با تو مدعائی داشتند
کاروان پر جرس از بارِ قالین داشتی
خانمانت از چه باعث عشق‌ری برباد رفت؟
دست با دیوار حالا عشق‌ری در گردشی
ناز می کردی به زلف و کاکلت، رویت چه شد؟
آن رُموز چشم و ایما های ابرویت چه شد؟
عارضِ برگِ گلاب و تارِ گیسویت چه شد؟
رشته زنار و زلف و خال هندویت چه شد؟
آه بین آتشِ رشکِ شبِ طویت چه شد؟
قابِ چینانِ خوش آمد گوز پهلویت چه شد؟
می نمودی زرکشی سنگِ ترازویت چه شد؟
باغ و بستان داشتی، سرو لب جویت چه شد؟
طاقت و تاب و توانائی بازویت چه شد؟